

● شما ۲۷ سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارید. وضعیت ورزش مدارس راضی کننده است؟

فضای ورزشی اغلب مدارس محدود است. این مدرسه‌ها در گذشته ساخته شده‌اند و حیاط‌های کوچک آن‌ها آسفالت است. بهمین دلیل فضای مناسبی برای ورزش ندارند. البته به مرور زمان و بازسازی مدارس و ایجاد سالن‌های ورزشی جدید کنار آموزشگاه‌ها، شرایط کمی بهتر شده است. به اعتقاد من بزرگ‌ترین معضل ورزشی مدارس، کوچک بودن محیط و کمبود فضای ورزش است.

● بعد از این همه سال در ورزش مدارس، چیزی یا طرحی به ذهن شما نرسیده که مطرح کنید؟ تا آنجا که اطلاع داریم، شما برای مدتی هم در معاونت ورزش آموزش و پرورش کار کرده‌اید؟

● زمانی که سجادی معاون تربیت‌بدنی بود، برای مقطع کوتاهی در این معاونت کار کرد. آنجا هم می‌گفتم که چقدر خوب می‌شد که از همان ابتدای ساخت هر مدرسه، یک سالن یا فضای مناسب هم در کنارش، طراحی می‌شد. چون من، هم در مدرسه با دانش‌آموزان کار کرده‌ام و هم در سالن ورزشی با نوجوانان کار می‌کنم، استعدادهای فوق العاده‌ای میان آن‌ها می‌بینم. به عنوان یک دبیر ورزش، این موضوع را تجربه کرده‌ام که وقتی آن‌ها در

احمدرضا اسکندری را در سالن زینبیه ملاقات می‌کنیم؛ در یک روز گرم تابستانی. او با اینکه سرپرست سالن است، با بچه‌ها مشغول کار است. گروهی بسکتبال بازی می‌کنند و گروهی هم فوتبال. او برای دو ساعت، رو به روی ما می‌نشینند تا از تجربه ۲۸ ساله‌اش برایمان بگوید. اسکندری شاید از محدود معلمانی باشد که تمام دوران معلمی‌اش را در یک مدرسه گذرانده؛ ۲۵ سال معلمی در مدرسه حربن ریاحی. او اکنون دانش‌آموزانی دارد که پدرانشان هم روزی در همین مدرسه شاگرد او بوده‌اند و این را جزو افتخارات خود می‌داند. این معلم ورزش با ما پیرامون مشکلات ورزش مدارس، نیازهای معلمان ورزش و کارهایی که انجام داده صحبت می‌کند، و نشان می‌دهد که همچنان به روز سخن می‌گوید. او معتقد است که یک معلم ورزش باید قدرت تحلیل مهم‌ترین رویدادهای ورزشی را برازد. دانش‌آموزان داشته باشد. با هم پای صحبت وی می‌نشینیم.

معلم ورزش باید به روز حرف بزند

گفت و گو با احمد رضا اسکندری،

معلم تربیت‌بدنی مدرسه حربن ریاحی

سعید زاهدیان

خطیبی؛ از شما می‌پرسم آیا یک معلم ورزش باید پاسخگوی

سوال‌های ورزشی هم باشد و اتفاقات روز دنیا را دنبال کند؟

○ بله، باید جواب داشته باشد. معلم ورزش باید از فرصت‌ها

استفاده کند و به بچه‌ها درس‌های جدید بدهد. مثلاً اлан لازم

است که دلایل رشد و توسعه فوتبال آلمان برای دانش‌آموزان

تحلیل شود تا آن‌ها اهمیت نظم و انصباط و کار گروهی را از

همین سنین نوچوانی بیاموزند. یکی از مشکلات ما این است

که بچه‌ها در سنین پایه، اصول و مرام حرفه‌ای شدن را یاد

نمی‌گیرند و بعدها اتفاقی از آن‌ها سر می‌زند که همه حیرت‌زده

می‌شوند. اگر این موضوعات را ریشه‌یابی کنیم، می‌بینیم در

رده‌های پایه و سنین کم روی آن‌ها درست کار نشده و

برنامه‌ریزی خوبی نداشته‌اند.

● الان دوره رسانه‌ها، اینترنت و تلویزیون است. قطعاً

دانش‌آموزان در ارتباط با رسانه‌ها، چیزهای جدیدی

می‌بینند. ممکن است سراغ شما بیانند و در موردهای VO2Max

(استقامت هوایی) سؤال پرسند. آیا شما جواب کامل و

جامعی در خصوص مسائل علمی دارید یا به آن‌ها می‌گویید

که این مسائل در حیطه وظایف یک معلم ورزش نیست؟

○ معلم ورزش اگر اطلاعات روز را نداشته باشد به مشکل

برمی‌خورد. به اعتقاد من معلم ورزش خوب کسی است که

بتواند حرکات ورزشی را بخوبی به دانش‌آموز نشان دهد. اگر

یک معلم نتواند سه گام بسکتبال را به شاگردش نشان دهد،

چطور از دانش‌آموز انتظار دارد که فعالیت ورزشی مناسبی

داشته باشد؟ معلم ورزش باید حداقل یک سرویس والیال یا

حرکت سادع را در حد خودش مقابله دانش‌آموزان اجرا کند

و به قوانین ورزش اشراف کامل داشته باشد. دانش‌آموز اول

نگاه می‌کند به حرکات معلم. وقتی صحبت از سه گام بسکتبال

می‌شود، دانش‌آموز می‌گوید اول خودتان این کار را انجام دهید

تا من بینم. البته انتظار ما این نیست که معلم ورزش بتواند

سرویس پرشی یا اسپیک بالای تور را در یک سوم زمین

والیال بزند، ولی باید بتواند این حرکات را نشان

دهد. به دفعات پیش آمده که دانش‌آموز

پیش من آمده و گفته که برای کاهش

وزن خود چه کار کند. باید من به عنوان

معلم ورزش، بتوانم در این مورد تمرینات

درست و اصولی را به او معرفی کنم. اگر

کار تخصصی بود، آن وقت معلم، دانش‌آموز

را راهنمایی می‌کند که به چه پزشکی مراجعه

کند و سراغ کدام متخصص برود.

ساده بگوییم اگر بچه‌ها احساس کنند

که اطلاعات بیشتری نسبت به معلم خود دارند، حرف او را

نمی‌خوانند. دانش‌آموزان به حرف معلمی گوش می‌کنند که

احساس کنند بسیار داناتر و کاربلدتر از آن‌ها است.

● با توجه به تخصصی بودن ورزش و گسترش این رشته، به نظر

فضای بهتری قرار می‌گیرند، چقدر سریع تر ظرفیت و استعداد آن‌ها نمود پیدا می‌کند. اگر فضای بیشتری داشته باشیم، هم در زمینه ورزش پایه و هم در ورزش قهرمانی به موفقیت‌های بیشتری می‌رسیم.

● وقتی یک معلم ورزش به سن و تجربه شما می‌رسد، چه کارهایی برای ورزش قهرمانی باید انجام داده باشد؟ یعنی شما با ۲۷ سال سابق، چه تعداد قهرمان و ورزشکار بزرگ تربیت کرده‌اید؟

○ پایه ورزش قهرمانی در آموزش و پرورش است. وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی باید تعامل بهتر و بیشتری با آموزش و پرورش داشته باشند، چون تیم‌های پایه را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. به نظر من معلمان ورزش اولین مریان قهرمانان بزرگ هستند. ناگفته نماند که نهادهای دیگر مثل شهرداری‌ها هم باید به کمک آموزش و پرورش بیانند تا فضای آموزشی بچه‌ها و نوجوانان گسترش یابد و معلمان ورزش در فضای بهتری استعدادیابی کنند.

● منظور من این بود که وقتی رویداد بزرگی مثل المپیک یا جام جهانی برگزار می‌شود، سه‌هم معلمان در این رویدادها چقدر است؟ شما که از معلمان با تجربه هستید، آیا تا امروز دانش‌آموزی داشته‌اید که به واسطه نگاه تیزبین شما و توجه به استعدادش در آینده تبدیل به ورزشکار برتری برای کشور شده باشد؟

○ توجه به ورزش همگانی و عمومی وظيفة آموزش و پرورش است ولی ما معلمان از همین سنین پایین می‌توانیم با شناخت بچه‌های با استعدادهای خاص، و سوق دادن آن‌ها به سمت صحیح نقش مؤثری در بهبود وضعیت کشور داشته باشیم. ما دانش‌آموزانی داشتیم که از مدرسه ورزش را شروع کردند و بعدها ورزشکاران سرشناس و مطرحی شدند. می‌توانم الان از رسول خطیبی نام ببرم که در همین مدرسه حربن ریاحی شاگردم بوده است. وی پس از سال‌ها بازی در فوتبال کشور، سرمربی تیم گسترش فولاد تبریز شد.

رسول سال سوم راهنمایی شاگرد مدرسه می‌باشد.

بود و همان موقع هم استعداد خوبی داشت.

برادر رسول، حسین خطیبی هم به

مدرسه می‌آمد. ما هم وقتی استعداد و

توانایی او را دیدیم، کمک کردیم که در

رده نوجوانان در تیم‌های باشگاهی بازی

کند و در نتیجه از همان جا مدارج ترقی را طی

کرد و فوتبالیست خوب و مطرحی شد.

● هنوز با هم در ارتباط هستید؟

○ بله، گاهی به هم زنگ می‌زنیم و اتفاقاً هنوز هم سوالاتی را که برایش پیش می‌آید از من می‌پرسد و ارتباط خوبی بین ما وجود دارد.

● الان شما به عنوان یک معلم ورزش و من هم به جای رسول

یک معلم ورزش باید
قدرت تحلیل مهم‌ترین
رویدادهای ورزشی
را برای دانش‌آموزان
داشته باشد

که سه جلسه در هفته هم زمان بخواهد. حتی بسیاری از دانشآموزان تصور می‌کنند که معلم ورزش چیزی جدای سایر معلمان است و به لحاظ علم و دانش در سطح پایین‌تری نسبت به سایر معلمان قرار دارد....

○ اصلاً این‌طور نیست. این‌گونه مسائل به شخص معلم تربیت‌بدنی بستگی دارد. معلم ورزش حتی می‌تواند در زمینه‌های مختلف از معلمان دیگر هم برجسته‌تر باشد. بنده در این سال‌ها همواره نماینده معلمان بوده‌ام و معلمان را تشویق کرده‌ام تا فعالیت‌های ورزشی کنند. از آن‌ها خواستم تا صبح‌ها زودتر بیایند و با پچه‌ها ورزش کنند. این باعث شده تا بچه‌ها ارتباط بهتری با سایر معلمان برقرار کنند و روی مسائل درسی دانشآموزان هم اثر گذاشته است. معلمان مدرسه

ما، یک تیم ورزشی هم دارند. ما از این مسئله استفاده کردیم. گاهی معلمی به من مراجعه می‌کند و می‌گوید که فلان دانشآموز که در تیم ورزشی شما کار می‌کند، در یک درس همت لازم را ندارد و از من می‌خواهد که با او صحبت کنم. حتی اولیا

هم گاهی از من می‌خواهند که در زمینه درسی با پچه‌ها حرف بزنم، چون رابطه من و دانشآموزان صمیمانه است و بچه‌ها حرف‌های معلم ورزش را بهتر می‌پذیرند. کلاً ورزش به پچه‌ها اعتماد به نفس می‌دهد. دانشآموزانی که خوب ورزش می‌کنند و با من زیاد سروکله می‌زنند، اغلب از لحاظ درسی هم شرایط خوبی دارند چون به جز ورزش، در مورد آینده و زندگی هم با آن‌ها صحبت می‌کنم. مخصوصاً دانشآموزانی که به غیر از مدرسه، در سالن ورزش هم با ما کار می‌کنند، اعتماد به نفس بالاتری دارند و مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند.

● شما به عنوان یک معلم با تجربه، الگویی برای نسل جدید

می‌رسد که معلمان باید در تدریس هم وحدت رویه داشته باشند. کتاب ورزش چقدر موضوع مهمی است و تا به حال دغدغه این مسئله را نداشتید؟

○ الان کتاب ورزش در مقطع ابتدایی داریم ولی در مقطع راهنمایی و دبیرستان با اینکه کار تألیف آن به پایان رسیده اما هنوز به دست معلمان و دانشآموزان نرسیده است. کتاب علوم را در نظر بگیرید. معلم این درس، طبق کتاب و ساعات هفتگی، این کتاب را درس می‌دهد و به اتمام می‌رساند. به اعتقاد من اگر ورزش هم صاحب کتاب شد، باید سه جلسه در هفته تدریس شود. با یک جلسه در هفته به جایی نمی‌رسیم. اگر بخواهیم به دانشآموزان چیزی بیاموزیم، باید ساعت درسی ورزش آن‌ها را افزایش دهیم.

الان ساعت ورزش ۹۰ دقیقه در هفته است

که کافی نیست. با لباس عوض کردن و آماده شدن، نیم ساعت هم هدر می‌رود.

نیم ساعت هم که بچه‌ها دوست دارند برای خودشان بازی کنند و فعالیت ورزشی داشته باشند. به نظر شما در نیم ساعت باقی مانده می‌توانیم به بار علمی دانشآموزان اضافه کنیم؟ پاس در سینه بستکتال را در نظر

بگیرید. تا معلم این حرکت را نشان بدهد و بعد هر کدام از دانشآموزان سه بار بخواهند آن را تکرار کنند و اشکال کارشان هم گرفته شود، کل زمان کلاس هم کم می‌آید و اصلاً زمانی برای بازی یا حتی برای لباس عوض کردن هم باقی نمی‌ماند چه برسد به کار کردن روی موضوعات کتاب درسی. اگر قرار است طبق کتاب درسی جلو برویم، باید زمان درس ورزش هم مثل سایر درس‌ها افزایش پیدا کند و به سه جلسه در هفته برسد.

● همواره این ذهنیت وجود دارد که ورزش اصلًا درس نیست



کمتر اجازه فعالیت به دانشآموزان بدهید که مبادا حادثه‌ای رخ ندهد و برایتان دردرس درست شود؟

○ بخش‌نامه‌هایی از آموزش‌وپرورش در مورد این‌سازی مدارس در سال اخیر صادر شده که دروازه، میله‌ها، پله‌ها و هر چیزی که در حیاط مدارس ممکن است خطرساز شود، باید پوشیده شود و این جزء وظایف مدیر و معلم ورزش است و از سوی آموزش‌وپرورش هم به خوبی نظارت می‌شود، اما با همه این‌ها فعالیت‌های ورزشی همیشه خطراتی هم به دنبال دارد. همه‌چیز به مهارت معلم بستگی دارد که با توجه به فضا و امکانات، بیشترین بازده را از دانشآموزش بگیرد و نباید چنین مسائلی باعث محافظه‌کاری معلم شود.

● سؤال آخر اینکه میان کار در مدرسه و کاری که در سپاه پاسداران انجام می‌دادید چه تفاوت‌هایی وجود داشت؟ همچنین در خصوص این موضوع توضیح بدهید که شما برای مقطعی از مدرسه جدا شده و به معافونت ورزش آموزش‌وپرورش رفندید. آیا آن‌جا وسوسه نشیدید که ارتفا بگیرید و در آینده جزو مدیران شوید؟

○ در مورد تفاوت‌های کار کمی بالاتر توضیح دادم. در سپاه پاسداران کمک‌های اولیه فوریت‌های پزشکی را به خوبی یاد گرفتم و در عمل اجرا کردم که دانستن آن برای هر معلم ورزشی لازم و ضروری است. در مورد دوم هم توضیح بدهم که همواره حیاط مدرسه، خاستگاه بنده در طول دوران کاری‌ام بوده و هیچ‌گاه کار با دانشآموزان را رهان نکرده‌ام. دلیلش را قبل‌اً توضیح دادم. معلم ورزش باید عاشق کار در حیاط مدرسه و شناختن و ارتقای سطح ورزش بچه‌ها باشد. از ابتدا علاقه‌ای به حوزه‌های مدیریتی نداشتم و به همین دلیل است که بیش از ۲۵ سال در مدرسه حرbin ریاحی کار می‌کنم و از این بابت خوشحالم.

هستید. چه تجربیاتی در این سال‌ها به دست آورده‌اید که می‌تواند پیش روی معلمان جدید قرار بگیرد؟

○ معلم ورزش قبل از هر چیز باید عشق و علاقه به کارش داشته باشد و با توجه به فضاهای محدود ورزشی مدارس، بتواند با داشش آموزان کار کند. اینکه زنگ ورزش دو ساعت در هفته است، نتایج کافی برای دانشآموزان ندارد. همه دانشآموزان هم امکان استفاده از فضای ورزشی خارج از مدرسه را ندارند و این وظیفه معلمان ورزش را سنجین تر می‌کند. الان تحرک بین بچه‌ها بسیار کم شده و نوجوانان مثل گذشته در کوچه و خیابان و فضاهای محلی تحرک ندارند. معلمان ورزش باید با توجه به این موضوعات، با برنامه‌ریزی مناسب سعی کنند تا جایی که امکان دارد این خلا را پر کنند؛ ضمن اینکه معلم ورزش باید آمادگی برخورد با بچه‌ها را داشته باشد و روان‌شناسی کار با گروه‌های سنی پایین را بداند و به علم کمک‌های اولیه کاملاً آگاه باشد، چون در فضای محدود و زمین‌های آسفالت حیاط مدارس، خطرهای زیادی حین ورزش برای بچه‌ها وجود دارد. بنده یکسالی که مأمور در

سپاه پاسداران بودم، چون کارم تعليم مربی و معلم امدادگر عملیات‌ها بود، چیزهای زیادی یاد گرفتم که در این سال‌ها به بنده بسیار کمک کرده و معتقدم معلمان باید اصول کمک‌های اولیه را به خوبی بلد بشنند.

● در این سال‌ها، از این جهت، یعنی حوادث و اتفاقات دردرسی برای شما به وجود نیامده؟

○ چرا، شما معلم ورزشی را نمی‌شناسید که چنین تجربه‌ای نداشته باشد.

● این مسئله باعث نشده تا شما بچه‌ها را محدود کنید و

